

دوفصلنامه «مطالعات تطبیقی قرآن پژوهی»
سال سوم، شماره پنجم / بهار و تابستان ۱۳۹۷؛ ۸۷-۶۱

مطالعه تطبیقی مباحث کار و اشتغال با آموزه‌های قرآن و حدیث

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۲/۱۸ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۵/۲۰

زهرة اخوان مقدم^۱

فاطمه خلجی^۲

چکیده

انسان دو جنبه وجودی دارد و مباحث اقتصادی به بُعد مادی او به طور مستقیم و به بُعد روحی وی نیز به صورت غیر مستقیم، ارتباط دارد. کارآفرینی و ایجاد اشتغال، از جمله مهم‌ترین مسئله‌ای است که زیربنای اقتصاد هر جامعه است. توجه به جایگاه مباحث کارآفرینی و اشتغال در آموزه‌های قرآن و حدیث، مهم‌ترین مسئله این نوشتار است که با روش توصیفی-تحلیلی به آن پرداخته شده است. در قرآن و روایات، کار و تلاش اهمیت فراوان داشته، به جهاد در راه خدا تشبیه شده است. خداوند با فراهم کردن مقدمات و لوازم اشتغال همچون خلقت دنیا و مافیها، از انسان خواسته که تلاش خود را در دنیا به کار بندد. اشتغال و کارآفرینی و روزی‌رسانی به دیگران از نظر آموزه‌های دینی ضروری است و امر و تشویق به انجام صنعت‌های مختلفی در قرآن و روایات به چشم می‌خورد و هر یک از این آیات رهنمودهایی برای اهل فن و صنعت‌گران دارد. طبق تعالیم دینی فقط کار و تلاش باعث ارتقاء تولید و رونق و پیشرفت اقتصاد می‌شود.

واژگان کلیدی: قرآن و حدیث، کار، اشتغال، تلاش، اقتصاد اسلامی، تولید.

^۱ دانشیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم؛ دانشکده تهران dr.zo.akhavan@gmail.com

^۲ کارشناس ارشد دانشکده علوم و فنون قرآن تهران Khalaji.fatemeh1344@yahoo

اگر انسان از نظر اقتصادی و مالی نیازمند و محتاج شد، احتمال این می‌رود که دست به هر کاری بزند تا بتواند نیاز خود را برطرف نماید. در آن صورت انحرافات اجتماعی و کج‌روی‌ها شکل می‌گیرد. بیکاری و عدم امکان برای درآمد زایی افراد جامعه، بزرگ‌ترین مشکل هر جامعه‌ای می‌تواند باشد. برای ایجاد فرصت‌های شغلی، هم نیاز به منابع و آموزش نیروی انسانی و هم برطرف کردن مشکلات رونق کسب و کار، برطرف کردن موانع و مانند آن است. از همین رو لازم است که سازوکارهای اسلام در این زمینه بررسی شود. با توجه به جدید بودن علم کارآفرینی، امروزه این علم در تمامی ابعاد توسعه مطرح است. مهم‌ترین دستاورد کارآفرینی برای توسعه یک کشور، ایجاد اشتغال، رفاه، ثروت و شناخت فرصت‌های مناسب است. لازمه‌ی داشتن یک اقتصاد موفق وجود شرکت‌های موفق و کارآفرین در محیط‌های رقابتی و پرتغییر است که این امر مستلزم داشتن نیروی انسانی پرتوان و خوداتکاست، افرادی که روحیه‌ی خلاق و کارآفرین دارند و با داشتن فکر و ایده همواره در حال خلق روش‌های نوین کاری‌اند. این افراد عامل شناخت و ایجاد و گسترش بازارهای جدید هستند. آن‌ها توان دیدن خلأ بازارها را دارند و فرصت‌ها را خوب شناسایی می‌کنند.

اهمیت مباحث کارآفرینی بر کسی پوشیده نیست و همواره مورد اشاره و تأیید مقام معظم رهبری به عنوان عالی‌ترین مقام و جایگاه در جمهوری اسلامی ایران بوده است. ایشان معتقد هستند که ایران بزرگ امروز بیش از هر زمان دیگر به کار و کارآفرینی نیاز دارد تا همچون عقابی تیز پرواز، در فضای پیشرفت و آبادانی و افتخار اوج گیرد. ایجاد اشتغال علاوه بر جنبه مهم ثروت آفرینی، نوعی زمینه‌سازی برای به کارگیری گنجینه استعداد‌های انسانی است. در پرتو شناخت ملت از توانایی‌های خود و جوانانش، فصل توانایی و جهش کشور فرا رسیده است و طبعاً در این فصل، کار و کارآفرینی اهمیتی به مراتب فراوان‌تر دارد. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با کارآفرینان، ۱۳۸۹)

با توجه به مطالب گفته شده، مسئله این نوشتار، بررسی تطبیقی بین مباحث کار و اشتغال با آموزه‌های قرآن و حدیث است؛ به عبارت دیگر، لازم است که بررسی شود که آموزه‌های قرآنی و حدیثی در چه حوزه‌هایی از مسائل کار و اشتغال وارد شده است. این مسئله با روش توصیفی-تحلیلی بررسی شده و اطلاعات آن به صورت کتابخانه‌ای استخراج و تحلیل می‌شود.

۱. بسامد قرآنی کار و تلاش

واژه کار، فارسی است و ریشه «ع م ل» و «ش غ ل» در عربی تا حدودی با آن مطابق می‌شود. گفتنی است که در زبان عربی، حوزه معنایی کار و تلاش، گسترده است و در قرآن کلمات مترادف و هم معنی «کار و تلاش» فراوان دیده می‌شود. به عنوان مثال: در قرآن ریشه «ع م ل» با مشتقاتش ۳۶۶ و ریشه «ف ع ل» با مشتقاتش ۱۰۷ و ریشه «ج ه د» با مشتقاتش ۴۱ و ریشه «س ع ی» با مشتقاتش ۳۰ مرتبه و ریشه «ص ن ع» با مشتقاتش ۳۰ مرتبه استفاده شده است.

۲. مفهوم شناسی اشتغال

اشتغال، بر وزن افتعال از ماده‌ی «شغل»، در لغت یعنی به انجام کاری پرداختن است. «اِشْتَغَلَ يَعْنِي عَمَلَ» (شوقی و همکاران، ۲۰۰۵: ۴۸۶) در فارسی، «شغل = حرفه، پیشه در این معانی به کار رفته است: الف) کار مستمر کسی اعم از کار دستی یا فکری، دولتی و غیر دولتی. ب) شغل، کسبه و اصناف. اخیراً پیشه در مورد شغل جای گرفته و شغل در معنی عام خود مانده است؛ پس شغل اداری درست است و پیشه اداری گفته نمی‌شود.» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۳/ ۳۹۴) و لغت اشتغال نیز از لحاظ لغوی به معنای آن است که کسی به کار (شغل) معینی مشغول گردد. از نظر اصطلاحی در علم اقتصاد، اشتغال عبارت است از دست زدن به کاری است که اجرت و مزد دارد. (همان، ۱۳۸۷: ۱/ ۳۹۹) بنابراین مفهوم اشتغال نمی‌تواند از کار جدا گردد. «اشتغال در اصل، نمی‌تواند یک هدف داشته باشد، بلکه وسیله‌ای است که هدفش کاربرد منابع به طور مستقیم یا غیر مستقیم برای ارضاء نیازهای انسانی است. اشتغال تعبیری از نظر اجتماعی و نهادی از یک واقعیت اساسی است که می‌توان آن را «کار» توصیف کرد، آنچه مهم است، این است که اشتغال پدیده خاصی است که در آن کار و موقعیت کار در جامعه رکن اصلی را تشکیل می‌دهد.» (امین زاده، ۱۳۵۸: ۹۷/۲)

۳. مفهوم شناسی کارآفرینی

کارآفرینی در لغت، یعنی ایجاد کار (معین، ۱۳۸۴: ۱۲۹۳) و در اصطلاح، فرآیند خلق چیز نو و با ارزش، با صرف وقت و تلاش مورد نیاز و پذیرش ریسک‌های مالی، روحی و اجتماعی برای به دست آوردن منافع مالی، رضایت شخصی و استقلال، است (اکبری، ۱۳۸۷: ۳۹؛ ظهیری، ۱۳۹۰: ۲۱) این تعریف بر چهار جنبه‌ی اساسی کارآفرینی، بدون در نظر گرفتن زمینه‌ی کار تأکید می‌کند: اول اینکه، کارآفرینی بر فرآیند خلق چیز ارزشمند تأکید دارد. این خلق باید برای کارآفرین و مخاطبی که این خلق برای او انجام شده، ارزش داشته باشد. این مخاطب می‌تواند گروه‌های مختلفی باشد. دوم اینکه کارآفرینی بر وقف زمان و تلاش تأکید دارد. فقط کسانی که درگیر فرآیند کارآفرینی می‌شوند درک صحیحی از مقدار زمان و تلاشی که صرف خلق چیز جدیدی شده و آن را به فعلیت درآورده، دارند. سوم، در نظر گرفتن ریسک‌های ضروری است که این ریسک‌ها بنا بر زمینه‌ی تلاش کارآفرین، شکل‌های مختلفی دارند؛ اما معمولاً پیرامون زمینه‌های مالی، روحی و اجتماعی متمرکز هستند و چهارمین جنبه‌ی کارآفرینی، پاداش‌های کارآفرینی است. مهم‌ترین این پاداش‌ها استقلال است که باعث رضایت شخصی می‌شود. برای کارآفرینان سودجو، پاداش‌های مالی نیز مهم هستند. برای بعضی از این کارآفرینان، پول شاخص میزان موفقیت می‌شود. (ظهیری، ۱۳۹۰: ۲۱) کارآفرینی فقط فردی نیست و سازمانی هم می‌تواند باشد حتی شرکت‌های بزرگ اعم از دولتی و خصوصی هم می‌توانند کارآفرینی داشته باشند. امروزه حتی صحبت از دولت کارآفرین نیز به میان آمده است.

بررسی تطبیقی مشروعیت قدرت، در تفاسیر المیزان و فی ظلال القرآن ۴

کارآفرینی، مفهومی است که همواره همراه بشر بوده و به عنوان یک پدیده نوین نقش مؤثری را در توسعه پیشرفت اقتصادی و افزایش تولید ملی کشورها یافته، به طوری که در اقله صاد رقابتی و مبتنی بر بازار امروزه دارای نقش کلیدی است. از این رو تضمین حیات و بقا کشورها نیازمند نوآوری، ابداع، خلق محصولات و خدمات جدید می باشد. کارآفرینان علاوه بر اینکه به راحتی از کنار مسائل و مشکلات اطراف نمی گذرند و چون حلال وضع اقتصادی موجود را به هم می ریزند، موجب تحرک در بخش اقتصادی می شوند. همچنین از رسیدن نظام اقتصادی به تعادل ایستا جلوگیری کرده و به واسطه رفتارهای فرصت جویانه خود اقدام به فرصت سازی برای کلیت نظام اقتصادی می نمایند و همچنین به ارتقای بهره‌وری کشورها پرداخته و از طریق اشتغال کارآمد و مولد به رشد و توسعه و در نهایت موجب افزایش تولید ملی می شوند. در نتیجه کارآفرینان به عنوان خون حیات بخش نوآوری و ارزش آفرینی به تقویت اقتصاد و رشد تولید ملی کمک می کنند. (میرزاپور زرنندینی، ۱۳۹۶: ۶۱)

۴. مباحث کارآفرینی و اشتغال در آموزه‌های قرآن و حدیث

کار، اشتغال و کارآفرینی در اسلام، ارزش محسوب می شود، آیات قرآن و روایات در این خصوص فراوان است که در ادامه خواهد آمد.

۴-۱. جایگاه کار و تلاش از دیدگاه قرآن

در قرآن به موضوعات بسیاری برای هدایت و به تکامل رساندن بشر اشاره شده است، از جمله، موضوع «کار و تلاش» که آیاتی در تشویق و بیان ارزش و اهمیت آن نازل گشته است.

۴-۱-۱. مسافرت برای تجارت

قرآن آن چنان به کار و تلاش اهمیت داده که آن را در کنار جهاد در راه خدا معرفی کرده، می فرماید: «...آخِرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَ آخِرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (المزمل: ۲۰) و [عده‌ای] دیگر در زمین سفر می کنند [و] در پی روزی خدا هستند، و [گروهی] دیگر در راه خدا پیکار می نمایند».

عبارت «يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ» اشاره به تلاش انسان دارد و از آنجا که این عبارت در کنار جهاد فی سبیل الله قرار دارد، تلاش کردن را به نوعی جهاد در راه خدا معرفی می کند. مراد از «يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ»، مسافرت و مراد از «يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ» طلب روزی از راه مسافرت به نواحی زمین برای تجارت است. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۷۶/۲۰) گفتنی است که موضوع «اشتراک» و خرید و فروش که در قرآن بارها برای امور معنوی به کار رفته، استعاره‌ای از خرید و فروش مادی و دنیوی است. نیز واژه «تجارت» همین وضع را دارد و هر دو نمی خواهد خرید و فروش و تجارت را نهد، بلکه ضمن تأیید آن، در صدد است که بهترین آنها را معرفی نماید. (اخوان و خلجی، ۱۳۷۹: ۱۳۰)

۴-۱-۲. به کارگیری نیروهای کارآمد و صادق

قرآن در داستان حضرت موسی(ع) و شعیب(ع) می‌فرماید: «قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبْتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ» (القصص: ۲۶) «یکی از آن دو [دختر] گفت: «ای پدر، او را استخدام کن، چرا که بهترین کسی است که استخدام می‌کنی: هم نیرومند [و هم] در خور اعتماد است.»».

واژه‌ی «اسْتَأْجِرْ»، دلالت بر کار و شغل دارد، نکته قابل توجه آیه این است که هر کس بخواهد کاری را شروع کند باید قوی(متخصص) و امانت‌دار (متعهد) باشد. (قرائتی، ۱۳۸۸: ۴۲/۷) مانند اولیای خدا که از این خصوصیات برخوردار بودند و کار می‌کردند. همچون حضرت موسی(ع) که قرآن در این آیه به تخصص و تعهد او اشاره کرده است.

برای پیشرفت در کار و تلاش نیاز به مدیریت صحیح است و «یک مدیر قوی کسی است که حوزه مأموریت خود را به خوبی بشناسد، از انگیزه‌ها با خبر باشد، در برنامه‌ریزی مسلط و در تنظیم کارها ابتکار و مهارت لازم را داشته باشد، هدف‌ها را روشن کند و نیروها را برای رسیدن به هدف بسیج نماید. در عین حال دلسوز و خیرخواه و امین و درستکار باشد. بنابراین قدرت و امانت در کنار هم دو شرط اساسی برای مدیریت صحیح است و آن‌ها که در سپردن مسئولیت‌ها و کارها تنها به امانت و پاکی قناعت می‌کنند به همان اندازه در اشتباه‌اند که برای پذیرش مسئولیت، داشتن تخصص را کافی بدانند.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۶/۶۶-۶۷) با توجه به توضیحات فوق به نظر می‌رسد که آیه اهمیت کار و تلاش را با داشتن مهارت و تخصص و تعهد تکرار می‌دهد.

۴-۱-۳. کار و تلاش برای آبادی زمین

خداوند متعال، زمین را به انسان واگذار کرد تا آن را آباد کند. قرآن می‌فرماید: «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (هود: ۶۱) «او شما را از زمین پدید آورد و در آن، شما را استقرار داد.».

خداوند در این آیه از مردم، عمران و آبادی زمین را خواسته است. واژه استعمار و اعمار در لغت عرب در اصل به معنی «تفویض آبادی زمین به کسی» است و طبیعی است که لازمه آن این است که وسایل لازم در اختیار انسان قرار گیرد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۵۰/۹) قابل توجه اینکه قرآن نمی‌گوید خداوند زمین را آباد کرد و در اختیار شما گذاشت، بلکه می‌گوید عمران و آبادی زمین را به شما تفویض و واگذار کرد، اشاره به اینکه وسایل از هر نظر آماده است، اما شما باید با کار و کوشش زمین را آباد سازید و منابع آن را به دست آورید و بدون کار و کوشش سهمی ندارید. «آبادی و آبادانی زمین به عنوان مأموریت انسان در زمین، بدون تلاش و کوشش امکان‌پذیر نیست. انسان‌ها با تلاش و کار و کوشش است که زمین را به شکل کنونی آباد کرده و از امکانات و فرصت‌های پیش روی بشر بهره‌مند می‌شود.» (طاهر آبادی، ۱۳۹۲: ۱۳) همچنین لازم به ذکر است که آبادی زمین علاوه بر کار و تلاش نیاز به قدرت ابتکار و نوآوری نیز دارد.

۴-۱-۴. کار و تلاش برای پیروزی بر دشمن

مسلمانان، باید همیشه برای مقابله با دشمن آماده باشند، لازمه آمادگی، کار و تلاش جهت داشتن تجهیزات نظامی کارآمد است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (الانفال: ۶۰) «و هر چه در توان دارید از نیرو، بسیج کنید» در این آیه اشاره به آماده سازی نیروهای مادی و معنوی در حدّ توان است. با توجه به آنچه در تفاسیر از جمله تفسیر نمونه ذیل آیه آمده، وسعت تعبیر آن قابل توجه است. «این جمله کوتاه در زمینه جهاد اسلامی و حفظ موجودیت مسلمانان و مجد و عظمت و افتخارات آنان بیان شده است و تعبیر آیه به قدری وسیع است که بر هر عصر و زمان و مکانی کاملاً تطبیق می‌کند.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۲۲/۷) بنابراین آیه، اهمیت کار و تلاش را برای پیروزی بر دشمن بیان نموده است.

۴-۱-۵. مداومت در کار و تلاش

در خصوص کار و تلاش مداوم قرآن می‌فرماید: «فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ» (انشراح: ۷) «پس چون فراغت یافتی، به طاعت خداوند درکوش» این آیه مفهوم گسترده‌ای دارد که فراغت از هر مهمی و پرداختن به مهم دیگر را شامل می‌شود و گویا ضدّ بیکاری و تنبلی است. آیه مصداق‌های فراوان دارد که یکی از مصداق‌ها کار و تلاش است. «فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ» یعنی هرگز بی‌کار نمان، تلاش و کوشش را کنار مگذار، پیوسته مشغول مجاهده باش و پایان مهمی را، آغاز مهم دیگر قرار ده. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۲۹/۷-۱۲۸) بنابراین می‌بینیم که این آیه نیز کار و تلاش را مورد اهمیت قرار داده، بی‌کار ماندن را منع کرده است.

۴-۱-۶. کار و تلاش در زمان مناسب

خداوند متعال می‌فرماید: «وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتٍ فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِّتَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ وَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ وَ كُلُّ شَيْءٍ فَصْلَانَهُ تَفْصِيلاً» (الاسراء: ۱۲) «و شب و روز را دو نشانه قرار دادیم. نشانه شب را تیره‌گون و نشانه روز را روشنی‌بخش گردانیدیم تا [در آن]، فضلی از پروردگارتان بجویید، و تا شماره سالها و حساب [عمرها و رویدادها] را بدانید و هر چیزی را به روشنی باز نمودیم.»

عبارت «لِّتَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ» اشاره به کسب فضل الهی به واسطه‌ی کار و تلاش در زمان مناسب دارد. علامه طباطبایی بیان می‌کند با توجه به عبارت «وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً» که در کنار این عبارت قرار گرفته، آیه می‌گوید اگر ما آیت روز را روشن قرار دادیم برای این است که شما بتوانید در آن موقع رزق پروردگار خود را طلب کنید، چون رزق، فضل و عطای خدای تعالی است. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۵۱/۱۳) بنابراین با توجه به آیه، شب‌ها باید استراحت کرد و روزها به کار و کوشش و تلاش پرداخت تا بتوان از فضل الهی بهره برد.

۴-۱-۷. رزق و روزی به شرط تلاش

بررسی تطبیقی مشروعیت قدرت، در تفاسیر المیزان و فی ظلال القرآن ۷

خداوند متعال می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَأَمْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ» (الملک: ۱۵)

«اوست کسی که زمین را برای شما رام گردانید، پس در فراخنای آن رهسپار شوید و از روزی [خدا] بخورید و رستاخیز به سوی اوست.»

عبارت «فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا» اشاره به کار و تلاش بر روی زمین رام شده دارد. با توجه به تفاسیر (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۳۳۸/۲۴؛ قرائتی، ۱۳۸۸: ۱۰/۱۵۴) به این نتیجه می‌رسیم که تا تلاشی نباشد، روزی‌های زمین نصیب کسی نمی‌شود، پس خداوند زمین را رام ساخته تا امکان تلاش و کوشش بر روی آن فراهم باشد و نیز اصل آنچه از آیه حاصل می‌شود این است که هستی در حال حرکت و رو به تکامل است طبیعت برای انسان، انسان برای تلاش، تلاش برای رزق، دنیا برای آخرت است.

۴-۲. جایگاه کار و تلاش از دیدگاه روایات

به دلیل اهمیت کار و تلاش، روایات فراوانی از ائمه (ع) وجود دارد که به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

۴-۲-۱. جهاد شمرده شدن کار و تلاش

در روایت متعدد، کار و تلاش به مثابه جهاد در راه خدا معرفی شده است. پیامبر (ص) فرمودند: «الكَادُ عَلَى عِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۸۸) کسی که برای تأمین زندگی خانواده‌ی خود زحمت (و رنج) می‌کشد، همچون مجاهد در راه خدا است. امام کاظم (ع) نیز در تعبیری مشابه فرمود: «مَنْ طَلَبَ هَذَا الرِّزْقَ مِنْ حِلِّهِ، لِيُعُودَ بِهِ عَلَى نَفْسِهِ وَ عِيَالِهِ، كَانَ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.» (همان، ۹۳/۵) یعنی: هر کس برای خانواده خود کار و تلاش کند در واقع در راه خدا جهاد کرده است.

همین تشبیه را در کلام امام رضا (ع) می‌بینیم: «إِنَّ الَّذِي يَطْلُبُ مِنْ فَضْلِ يَكْفُ بِهِ عِيَالَهُ أَعْظَمُ أَجْرًا مِنَ الْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۴۴۵) یعنی: آن کس که کار بیشتری می‌کند تا درآمدش برای خود و کسانش بسنده باشد، در نزد خدا پاداشی بزرگتر از پاداش مجاهد فی سبیل الله دارد. این نوع تشبیه موجب تشویق و ترغیب مخاطب برای کار و تلاش مضاعف می‌شود.

۴-۲-۲. کسب و کار در حال فقر و غنا

در اهمیت کار همین بس، که نعالم اهلبیت (ع) آنرا فقط برای کسب مال و رهایی از نیازمندی، لازم نمی‌دانند و بیکاری را حتی بر انسان غنی و بی‌نیاز نمی‌پسندند. امیرالمؤمنین (ع) خطاب به اصحاب شان می‌فرماید: «أَوْصِيكُمْ بِالْخَشْيَةِ مِنَ اللَّهِ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ وَالْعَدْلَ فِي الرِّضَا وَالْغَضَبَ وَالْاِكْتِسَابَ فِي الْفَقْرِ وَالْغِنَى...» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱/۱۴۱) «شما را به ترسیدن

از خدا در آشکار و نهان و به اجرای عدالت در خشنودی و خشمناکی و به داشتن کسب (و کار کردن) در فقر و غنا سفارش می‌کنم.»

۴-۲-۳. تنبلی و بطالت، موجب غضب خداوند

تنبلی و بیکاری مبعوض خدا و ائمه است. امام باقر(ع) فرمودند: «قَالَ مُوسَى يَا رَبِّ أَيُّ عِبَادِكَ أَبْغَضُ إِلَيْكَ، قَالَ جِيفَةٌ بِاللَّيْلِ، بَطَالٌ بِالنَّهَارِ» (راوندی، ۱۴۰۹: ۱۶۳)؛ «حضرت موسی بن عمران در پیشگاه الهی عرض کرد پروردگارا کدام یک از بندگانت نزد تو بیشتر مورد بغض و بدبینی است؟ فرمود آنکه شب‌ها چون مرداری در بستر خفته و روزها را به بطالت و تنبلی می‌گذرانند.»

۴-۲-۴. کار و تلاش، مانع ناسپاسی و سرمستی

امام صادق(ع) در تعبیری زیبا، فلسفه لزوم کار برای جلب روزی را تبیین فرموده است: «انظُرْ إِلَى الْعَصَافِيرِ كَيْفَ تَطْلُبُ أَكْلَهَا بِالنَّهَارِ فَهِيَ لَا تَقْدِرُ وَلَا تَجِدُهُ مَجْمُوعًا مُعَدًّا بَلْ تَنَالُهُ بِالْحَرَكَةِ وَالطَّلَبِ وَكَذَلِكَ الْخَلْقُ كُلُّهُ فَسُبْحَانَ مَنْ قَدَرَ الرِّزْقَ كَيْفَ فَرَقَهُ فَلَمْ يَجْعَلْ مِمَّا لَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ إِذْ جَعَلَ بِالْخَلْقِ حَاجَةً إِلَيْهِ وَلَمْ يَجْعَلْ مَبْدُولًا يُنَالُ بِالْهُوَيْنَا إِذْ كَانَ لَا صَلَاحَ فِي ذَلِكَ فَإِنَّهُ لَوْ كَانَ يُوجَدُ مَجْمُوعًا مُعَدًّا كَانَتْ الْبِهَائِمُ تَنْقَلِبُ عَلَيْهِ وَلَا تَنْقَلِعُ عَنْهُ حَتَّى تَبْشِمَ فَتَهْلِكَ وَكَانَ النَّاسُ أَيْضًا يَصِيرُونَ بِالْفِرَاحِ إِلَى غَايَةِ الْأَشْرِ وَالْبَطْرِ حَتَّى يَكْثُرَ الْفَسَادُ وَتَظْهَرَ الْفَوَاحِشُ.» (مفضل بن عمر، بی تا: ۱۱۹)

«ای مفضل! ... به گنجشکان نگاه کن که چگونه خوراک خود را در هنگام روز به چنگ می‌آورند چرا است که این خوراک یکجا آماده و در اختیار آنها نیست، بلکه باید با حرکت کردن و به جستجو پرداختن به آن دسترسی پیدا کنند. وضع همه آفریدگان به همین شکل است، پس منزّه است خداوندی که روزی آفریدگان خود را به اندازه مقدر کرد ... و آن را چنان قرار نداد که از دسترس به دور باشد، زیرا آفریدگان به آن نیازمندند و چنان نیز نداشت که به رایگان و بی هیچ تلاشی در دسترس آنان واقع شود، زیرا که در این چگونگی، هیچ مصلحتی وجود نمی‌داشت. اگر نیامندی‌های خوراکی به صورت یکجا و آماده وجود می‌داشت، چارپایان به آن حمله می‌بردند و آن اندازه می‌خوردند تا شکم‌هایشان باد کند و هلاک شوند، آدمی زادگان نیز با فراغتی که برایشان پیش می‌آمد به نهایت ناسپاسی و سرمستی گرفتار می‌شدند و تباهی و زشت‌کاری سراسر زمین را می‌گرفت.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۶/۳؛ اخوان حکیمی، ۴۲۸-۴۲۷)

۴-۲-۵. کار و تلاش، و بی‌نیاز شدن از مردم

هیچ‌گونه معلولیت جسمی نباید مانع کار و تلاش شود، حتی کسی که در بدن او تنها سرش سالم است. زراره می‌گوید مردی به حضور امام صادق(ع) آمد عرض کرد: «أَنْتِي لَا أَحْسِنُ أَنْ أَعْمَلَ عَمَلًا بِيَدِي وَلَا أَحْسِنُ أَنْ أَتَجِرَ وَأَنَا مُحَارَفٌ مُحْتَاجٌ فَقَالَ أَعْمَلْ وَاحْمِلْ عَلَى رَأْسِكَ وَاسْتَغْنِ عَنِ النَّاسِ.» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۷۶-۷۷) «دست سالمی ندارم که با آن کار کنم،

سرمایه ندارم تا با آن تجارت نمایم، مرد محروم و مستمندی هستم چه کنم؟ امام صادق(ع) که می‌دید سر آن مرد سائل سالم است و می‌تواند طبق رسوم محلی با آن کار کند راضی نشد عزّ و شرفش با گدائی از مردم در هم بشکند. به وی فرمود با سرت باربری کن و خود را از مردم مستغنی و بی‌نیاز مدار.»

۴-۲-۶. تضمین روزی و عدم اتکا به آن

امام حسن عسکری(ع) فرمود: «لَا يَسْغُلُكَ رِزْقٌ مَّضْمُونٌ عَنْ عَمَلٍ مَّفْرُوضٍ.» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۴۸۹) «گرچه خداوند در نظام حکیمانه آفرینش، ارزاق مردم را تضمین کرده است ولی مبدا اندیشه ضمانت خداوند رازق، مغرورتان سازد و شما را از انجام فریضه کار و کوشش باز دارد.»

۴-۳. تشویق و امر به فن آوری در قرآن

از آنجا که کار و تلاش با داشتن و به‌کار بردن تخصص و مهارت، مهم‌ترین عامل پیشرفت مادی و حتی معنوی انسان و جامعه است، خداوند در قرآن دستور به استفاده‌ی عملی از دانش و مهارت‌ها را به انسان می‌دهد. همان‌گونه که برخی از پیامبران را به این امر برای ساختن وسایل مورد نیازشان راهنمایی کرد. این «استفاده عملی از دانش و مهارت، برای ساختن ساختمان، انواع وسیله‌ی نقلیه، ابزار و وسایل مورد نیاز دیگر زندگی»، را فن‌آوری یا تکنولوژی می‌گویند. براساس برخی آیات انبیای الهی، برای گذران زندگی و تأمین معیشت خویش هرکدام به شغلی اشتغال داشته‌اند. اینک به آیات مرتبط در تشویق و امر به فن‌آوری اشاره می‌کنیم.

۴-۳-۱. تشویق و امر به «آهنگری»

خداوند متعال در مورد نرم شدن آهن می‌فرماید: «وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ مِنَّا فَضْلًا يَا جِبَالُ أَوِّبِي مَعَهُ وَالطَّيْرَ وَآلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ * أَنْ أَعْمَلَ سَابِغَاتٍ وَقَدَّرَ فِي السَّرْدِ وَأَعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (سبأ: ۱۱-۱۰) «و به راستی داوود را از جانب خویش مزیتی عطا کردیم. [و گفتیم:] ای کوهها، با او [در تسبیح خدا] هم‌صدا شوید، و ای پرندگان [هماهنگی کنید]. و آهن را برای او نرم گردانیدیم. (۱۰) [که] زره‌های فراخ بساز و حلقه‌ها را درست اندازه‌گیری کن. و کار شایسته کنید، زیرا من به آنچه انجام می‌دهید بینام.»

این دو آیه بیان می‌کند همان‌طور که خداوند کوه‌ها و پرندگان را برای حضرت داوود(ع) مسخر کرد آهن را نیز در دستش نرم کرد و دستور ساختن زره آهنی را داد که نوعی فن‌آوری است، سپس امر کرد برای شکرگزاری از این نعمت‌ها، عمل صالح انجام دهید. از آنجا که طریق شکرگزاری علاوه بر عبادت و اطاعت، استفاده درست از نعمت الهی را نیز شامل می‌شود، بنابراین فن‌آوری نوعی عمل صالح است. خداوند با دستور به ساخت زره‌های کامل که باید حلقه‌های آن‌ها به اندازه و متناسب باشد حضرت داوود(ع) را سرمشقی برای همه صنعتگران و کارگران قرار می‌دهد.

نکاتی که از آیات فوق به دست می‌آید عبارتند از:

۱. از نعمت‌هایی که خداوند نصیب انسان کرده باید استفاده بهینه کرد، مثل آهن که در آیه ذکر شد، وقتی که نرم شود علاوه بر زره، انواع وسایل مورد نیاز را می‌توان ساخت که این یعنی فن‌آوری.

۲. وقتی خداوند امر می‌کند زره‌ها را کامل بساز و حلقه‌های آن را به اندازه و متناسب کن در واقع دستور محکم کاری و رعایت دقت در کیفیت زره را می‌دهد و این علاوه بر اینکه نتیجه می‌دهد که صنعت‌گر باید در کیفیت مصنوعات خود دقت لازم را داشته باشد تا مصرف‌کنندگان به خوبی و راحتی بتوانند از آن استفاده کنند، نشان می‌دهد ساخت ابزار طی مراحل صورت می‌پذیرد لذا وقتی باید تولید آن، به تعداد فراوان باشد. بنابراین نیاز به نیروی کار هست تا دقت در کیفیت، مراعات شود، و این، یعنی ایجاد اشتغال.

۳. ساخت وسایل از آهن که نعمتی از جانب خداست، یعنی: فن‌آوری، یک عمل صالح و شکرگزاری از نعمت خداوند متعال است.

۴-۳-۲. تشویق و امر به «ریخته‌گری»

همان‌گونه که خداوند متعال آهن را برای حضرت داود(ع) نرم کرد، مس مذاب را هم در اختیار حضرت سلیمان(ع) قرار داد. قرآن می‌فرماید: «وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ غُدُوها شَهْرٌ وَ رَوَاحُها شَهْرٌ وَ أَسَلْنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ وَ مِنَ الْجِنِّ مَن يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَ مَن يَزِغُ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ * يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبٍ وَ تَمَاثِيلٍ وَ جِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَ قُدُورٍ رَاسِيَاتٍ اعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَ قَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ» (سبأ: ۱۳-۱۲) «و باد را برای سلیمان [رام کردیم:] که رفتن آن بامداد، یک ماه، و آمدنش شبانگاه، یک ماه [راه] بود، و معدن مس را برای او ذوب [و روان] گردانیدیم، و برخی از جن به فرمان پروردگارش پیش او کار می‌کردند، و هر کس از آنها از دستور ما سر برمی‌تافت، از عذاب سوزان به او می‌چشانیدیم. (۱۲) [آن متخصصان] برای او هر چه می‌خواست: از نمازخانه‌ها و مجسمه‌ها و ظروف بزرگ مانند حوضچه‌ها و دیگهای چسبیده به زمین می‌ساختند. ای خاندان داوود، شکرگزار باشید. و از بندگان من اندکی سپاسگزارند.»

این دو آیه، سه عامل مهم برای حضرت سلیمان به منظور اداره حکومتش بیان می‌کند. خداوند متعال این سه عامل را به تسخیر حضرت سلیمان درآورد که با مسئله اشتغال و کارآفرینی ارتباط وافر دارد: الف) اینکه باد را به عنوان وسیله نقلیه‌ی سریع به تسخیر حضرت سلیمان درآورد تا به کمک آن با مرکب خود بتواند در زمان کوتاهی از همه اطراف کشورش با خبر شود. ب) مواد اولیه ساخت صنایع مختلف و ابزار مورد نیاز مردم یعنی «مس مذاب» را در اختیار حضرت قرار داد و ج) نیروی فعال کار یعنی جنیان را که از آیات قرآن نتیجه می‌شود دارای عقل و قدرت و مکلف به تکالیف الهی هستند به تسخیر حضرت سلیمان درآورد که بتوانند از آن مواد، بهره‌گیری کافی کنند و کیفیت لازم را ایجاد کرده و نیازهای مختلف کشور را از این نظر بر طرف سازند.

بنابراین حضرت سلیمان به نحو احسن برای رفاه مردم و عمران و آبادانی و امنیت کشورش از این عوامل بهره می‌گرفت. این موضوع، اختصاص به عصر حضرت سلیمان و حکومت او ندارد و توجه به آن، امروز و فردا و اینجا و همه جا برای اداره صحیح کشورها ضرورت دارد.

مواردی که در خصوص فن آوردی از سه عامل مطرح شده در آیه، حاصل می‌شود بدین قرار است:

(۱) اداره صحیح کشور منوط بر نظارت کامل همه مناطق کشور توسط مسئولان حکومت، به کمک و سایل ارتباطی از جمله وسایل نقلیه است که این موضوع خود می‌تواند جذب نیروی انسانی، هم برای نظارت و هم برای ساخت تجهیزات کند، یعنی آیه تشویق به اشتغال‌زایی می‌کند.

(۲) تسخیر باد به دست حضرت سلیمان، «یعنی استفاده از قدرت باد، در حرکت ابرها، حرکت کشتی‌ها، تلقیح گیاهان، تلطیف هوا و غیر آن. (قرائتی، ۱۳۸۸: ۷/ ۴۲۷) این تسخیر باد اگر چه در حد معجزه بوده ولی با توجه به پیشرفت روزافزون علم اگر انسان تلاش کند می‌تواند از قدرت باد استفاده بیشتری کند، همانطور که از توربین‌های بادی برق تولید می‌کنند و یا اینکه بالن‌ها را در آسمان به حرکت در می‌آورند و مانند اینها. مگر نه این است که خداوند بادها و طوفان‌هایی با ویژگی‌های مختلف که نقش به‌سزایی در آفرینش جهان داشتند ایجاد کرد و حضرت علی(ع) با زیبایی تمام این آفرینش شگفت‌انگیز را توضیح می‌دهد. (خطبه ی اول نهج البلاغه) تمامی این امور انسان را تشویق می‌کند که با بهره‌گیری از دانش و مهارت در استفاده از منابع طبیعی به سمت فن‌آوری و در نهایت کارآفرینی، روی بیاورند.

(۳) با توجه به عامل دوم، باید از مواد معدنی همچون «مس» که خداوند در اختیار بندگانش قرار داده، بهترین استفاده را کرد که این موضوع امر به فن‌آوری می‌کند.

(۴) برای ساخت انواع ابزار مورد نیاز مردم، نیاز به جذب نیروی کار متخصص و کارآفرین همانند جنیان هنرمند و صنعتگر است و این موضوع نیز، امر به جذب نیرو و فن‌آوری می‌کند.

(۵) تهیه ظروف از «مس گداخته» در زمان حضرت سلیمان، سابقه طولانی مسگری و ریخته‌گری و در نهایت فن‌آوری را نشان می‌دهد. در انتهای آیه خداوند به خاطر این نعمت‌ها امر به شکرگزاری می‌کند و همان‌طور که قبلاً ذکر شد این نوع شکرگزاری یعنی استفاده صحیح از نعمت‌ها، یعنی فن‌آوری. (علامه طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۶/ ۳۶۴-۳۶۳؛ قرائتی، ۱۳۸۸: ۷/ ۴۲۷)

۳-۳-۴. تشویق و امر به ساخت «کشتی‌سازی»

خداوند متعال می‌فرماید: «وَاصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحِّينَا وَلَا تُخَاطِبُنِي فِي الْذِّينِ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُغْرَقُونَ * وَيَصْنَعُ الْفُلْكَ وَكَلَّمَا مَرْ عَلَيْهِ مَلَأَ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ قَالَ إِنْ تَسَخَرُوا مِنَّا فَإِنَّا نَسَخَرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسَخَرُونَ» (هود: ۳۸-۳۷) و زیر نظر ما و [به] وحی ما کشتی را بساز، و در باره کسانی که ستم کرده‌اند با من سخن مگوی، چرا که آنان غرق شدنی‌اند. (۳۷) و [نوح]

کشتی را می ساخت، و هر بار که اشرافی از قومش بر او می گذشتند، او را مسخره می کردند. می گفت: «اگر ما را مسخره می کنید، ما [نیز] شما را همان گونه که مسخره می کنید، مسخره خواهیم کرد.»

همان طور که در تفاسیر آمده، حضرت نوح(ع) چگونگی ساختن کشتی را از فرمان خدا آموخت، چون نمی دانست ابعاد عظمت طوفان آینده چه اندازه است تا کشتی خود را متناسب با آن بسازد و این وحی الهی بود که او را در انتخاب بهترین کیفیت ها یاری می کرد. بدون شک کشتی نوح یک کشتی ساده نبود و با وسایل آن روز به آسانی و سهولت پایان نیافت. حضرت نوح(ع) محل کارش سر راه عموم مردم بوده و کشتی پیش روی مردم ساخته می شد. مردم، دسته دسته می آمدند و نوح(ع) را مسخره می کردند و نسبت جنون و حواس پرتی به او می دادند. (علامه طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۰ / ۲۲۵)

آنچه از این دو آیه، در ارتباط با امر به کار و فن آوری نتیجه می گیریم بدین قرار است:

(۱) از آنجا که فرمان کشتی سازی به حضرت نوح وحی شد، این امر نشان می دهد که فن آوری، خواست خداوند است و تاریخی طولانی دارد.

(۲) به فرمان خداوند و با امید به خداوند که ناظر و مراقب ماست، باید آینده نگر باشیم و برای آینده و آیندگان، همانند اولیای خدا کار و تلاش و فن آوری داشته باشیم.

(۳) با توجه به بی اعتنایی نوح(ع) به مردمی که هر روز او را مسخره می کردند در می یابیم که دشمن و نیرنگ هایش همیشه بوده و هست، همچون دشمنان امروزی که تلاش می کنند جلوی پیشرفت مسلمانان را در فن آوری ها اعم از هسته ای و غیرهسته ای بگیرند. قصد دشمنان، فقط جلوگیری پیشرفت ما در علم و صنعت نیست. هدف اصلی آنها نابودی اسلام و مسلمین است. از کار و فن آوری کناره گیری نکنیم چرا که از مهم ترین عوامل پیروزی بر دشمنان است.

(۴) با فن آوری باید پرچم اسلام را بر فراز آسمان جهان بالا ببریم.

۴-۳-۴. تشویق و امر به «سد سازی»

یکی دیگر از موضوعاتی که نشان می دهد خداوند متعال امر به فن آوری می کند، ساخت «سد» است. قرآن می فرماید: «قَالُوا يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَىٰ أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا * قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا * آتُونِي زُبَرَ الْحَدِيدِ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انْفُخُوا حَتَّىٰ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ آتُونِي أُفْرِغْ عَلَيْهِ قِطْرًا * فَمَا اسْتَطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا» (کهف: ۹۷-۹۴) «گفتند: ای ذوالقرنین، یأجوج و مأجوج سخت در زمین فساد می کنند، آیا [ممکن است] مالی در اختیار تو قرار دهیم تا میان ما و آنان سدی قرار دهی؟» (۹۴) گفت: «آنچه پروردگارم به من در آن تمکن داده، [از کمک مالی شما] بهتر است. مرا با نیرویی [انسانی] یاری کنید [تا] میان شما و آنها سدی استوار قرار دهیم.» (۹۵) برایم قطعات آهن بیاورید. (آن گاه دستور

داد که زمین را تا به آب بکنند و از عمق زمین تا مساوی دو کوه از سنگ و آهن دیواری بسازند) تا چون میان آن دو کوه را برابر ساخت گفت: در آتش بدمید؛ تا چون آهن را بسان آتش بگداخت، گفت: برایم مس گداخته آورید تا بر آن فرو ریزم. (۹۶) [در نتیجه، اقوام وحشی] نتوانستند از آن [مانع] بالا روند و نتوانستند آن را سوراخ کنند.»

به دستور ذوالقرنین قطعات بزرگ آهن را برای ایجاد سد محکم بین دو قوم مفسد آوردند و روی هم چیدند تا بین دو کوه کاملاً پوشانده شد، سپس مواد آتش‌زا مثل هیزم و مانند آن را در دو طرف این سد قرار دادند و با وسائلی که در اختیار داشتند در آن آتش دمیدند تا اینکه قطعات آهن، سرخ و گداخته شد. در حقیقت از این طریق قطعات آهن را به یکدیگر پیوند دادند، همان کاری را که امروزه به وسیله جوشکاری انجام می‌دهند. سد یکپارچه‌ای ساختند و در پایان کار این سد آهنین را با مس ذوب شده پوشاندند تا از نفوذ هوا و پوشیده شدن محفوظ بماند. در نتیجه سدی نیرومند و مستحکم ساخته شد. این فناوری بی‌نظیر که اگر مقداری مس به آهن اضافه کنند مقاومت آن را بسیار زیاده‌تر می‌کند، در دانش امروز به اثبات رسیده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۵۳۶/۱۲) علاوه بر فناوری، این کار ذوالقرنین نشان می‌دهد که رهبران لایق، به کمک علم، هنر، تعاون، از ساده‌ترین افراد و ابزار، بهترین کارها را تولید می‌کنند، بنابراین اگر مدیر لایق باشد، کارگران ساده مهم‌ترین پروژه‌ها را انجام می‌دهند.» (قرائتی، ۱۳۸۸: ۲۲۶/۵)

۴-۴. تشویق و امر به فن آوری در روایات

در روایات اگر چه واژه فن‌آوری نیامده، اما رد پای آن را به راحتی می‌توان یافت. امام سجّاد (ع) در فرازی از دعای اول صحیفه می‌فرماید: «و الحمد لله الّذی ركبَ فینا آلاتِ البسطِ و جعلَ لنا ادواتِ القبضِ و متّعنا بأرواحِ الحیاةِ و أثبتَ فینا جوارحَ الأعمالِ و عذّانا بطیّباتِ الرّزقِ و أغنانا بفضلهِ و أقنانا بمنّه» (حمد و شکر مخصوص خداوندی است که در ما ابزار گشودن و نیز ادوات و آلات جمع کردن را قرار داد و ما را از روح زندگی بر خوردار ساخت و اعضا برای انجام اعمال مختلف را در وجود ما مستقر کرد و از ارزاق پاکیزه به ما غذا داد و به فضلش ما را بی‌نیاز گردانید و به من و کرمش ذخائری پُر ارزش به ما بخشید.) در این بخش از دعا به چندین نعمت بزرگ اشاره شده، از جمله عوامل قبض و بسط جسمانی (عضلات بدن) و عوامل قبض و بسط روحی. در روح ما نیز قبض و بسط وجود دارد. علوم و دانش‌های ما، تجربیات و صفات مختلف روحی، که در جای خود عامل بسط و گشایش است، مانند، شجاعت و شهامت، ابتکار، آینده‌نگری و نعمتی دیگر ارواح حیات است و ظاهراً اشاره به ارواح سه‌گانه‌ای است که انسان دارد: روح نباتی که وسیله رشد و نمو و تغذیه انسان است و روح حیوانی که وسیله حس و حرکت است و روح انسانی که سرچشمه تفکرات و تصمیم‌ها و علوم و دانش‌هاست. هر یک از این نعمت‌ها اگر از کار بیفتد آسیب سختی به انسان می‌رسد و انسان قادر به ادامه حیات و زندگی نخواهد بود. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۷: ۹۵/۲-۹۳) از این دعا، به این موضوع مهم پی

می‌بریم که ما در قبال این نعمت‌ها وظیفه داریم به بهترین شکل برای رفع نیازمندی‌ها با کار و تلاش از نعمت‌های خداوند استفاده کنیم. پس هر انسانی باید تا حد امکان از نیرو و استعداد خود بهره‌برداری کند و به فن‌آوری برسد. البته هیچ انسانی توانایی این را ندارد که بنا، نجار و یا صنعتگر خود باشد و تمام کارهایش را به تنهایی و بدون تشویق به کار انجام دهد چرا که خداوند متعال انسان‌ها را متفاوت آفریده تا از خدمات یکدیگر بهره‌مند شوند. پس از ذکر روایت فوق، اینک با توجه به اهمیت نیاز به فن‌آوری، برخی روایات مورد توجه قرار می‌گیرد.

۴-۴-۱. امر به استفاده بهینه از آب و خاک

حضرت علی(ع) می‌فرماید: «مَنْ وَجَدَ مَاءً وَ تَرَابًا ثُمَّ افْتَقَرَ فَاَبْعَدَهُ اللَّهُ» (مجلسی، ۱۹۸۳: ۱۹/۲۳) کسی که آب و خاک یعنی نیروی طبیعی در اختیار دارد و نیروی انسانی خود را برای بهره‌برداری به کار نمی‌بندد و با فقر و گدائی می‌گذراند نفرین و لعنت بر او باد.

کشاورزی در تمام ادیان الهی یک شغل مقدس بوده و پیشوایان مذهبی در هر عصر علاوه بر آنکه خود با کمال علاقه‌مندی به کار کشاورزی اشتغال داشتند مردم را نیز به این کار تشویق می‌کردند. «آباد کردن زمین» که خواسته خداوند بزرگ است و همچنین بهره‌برداری از منابع و ذخایر آن به صور مختلف میسر است ولی از بهترین طرق آن، که در روایات اسلامی مورد تشویق و ترغیب قرار گرفته مسئله کشاورزی است. طبیعی است که زندگی فقیرانه در عین بهره‌مندی از آب و خاک کافی، یا به سبب نداشتن تدبیر کافی در به کارگیری این ثروت‌های خدادادی است یا به دلیل رها کردن کار و تلاش در استفاده بهینه از این امکانات.

۴-۴-۲. تشویق و امر به استفاده‌ی بهینه از غلات و گیاهان دارویی و پشم و کرک چهارپایان

امام صادق(ع) خطاب به مفضل فرمودند: «اعْتَبِرْ يَا مَعْزِلُ بِأَشْيَاءِ خَلَقَتْ لِمَآرِبِ الْإِنْسَانِ وَمَا فِيهَا مِنَ التَّدْبِيرِ فَإِنَّهُ خُلِقَ لَهُ الْحَبُّ لَطَعَامِهِ وَ كَلْفٌ طَحْنُهُ وَ عَجْنُهُ وَ خَبْزُهُ وَ خَلِقَ لَهُ الْوَبْرُ لِكِسْوَتِهِ فَكَلْفٌ نَدْفُهُ وَ غَزْلُهُ وَ نَسْجُهُ وَ خَلِقَ لَهُ الشَّجَرُ فَكَلْفٌ غَرَسَهَا وَ سَقِيَهَا وَ الْقِيَامَ عَلَيْهَا وَ خَلَقَتْ لَهُ الْعَقَاقِيرُ لِأَدْوِيَتِهِ فَكَلْفٌ لَقَطْهَا وَ خَلَطَهَا وَ صُنَعَهَا وَ كَذَلِكَ تَجِدُ سَائِرَ الْأَشْيَاءِ عَلَى هَذَا الْمِثَالِ» (ای مفضل! از چیزهایی عبرت بگیر که برای رفع نیازمندی‌های آدمی آفریده شده و تدبیرهایی در آن‌ها به کار رفته است، دانه برای خوراک او آفریده شده، لیکن آرد کردن و خمیر کردن و پختن آن به عهده خود انسان گذاشته شده‌است. کرک و پشم برای پوشش انسان آفریده شده، ولی رشتن و بافتن آن تکلیف خود او ست. درخت برای او آفریده شده، اما نشان دادن و آب دادن و رسیدگی به آن کارهایی است که خود باید بکند. گیاهان دارویی برای درمان او آفریده شده، لیک چیدن و ترکیب کردن و ساختن دارو از آن‌ها به خود او واگذار شده؛ و دیگر نعمت‌ها را نیز به همین گونه خواهی یافت. پس بنگر که چگونه آنچه را انسان خود نمی‌توانسته پدید آورد خداوند پدید آورده، لیکن در هر یک از آن‌ها جای کار و کوششی باقی گذاشته‌است. صلاح آدمی در همین فراوری‌ها بوده، چون اگر این کار نیز از عهده آدمی برداشته می‌شد و

برای او هیچ کار و شغلی باقی نمی‌ماند، انسان از ناسپاسی و سرمستی چنان می‌شد که زمین نمی‌توانست تحملش کند و سرانجام به کارهایی دست می‌زد که به تلف شدن او منجر می‌گشت. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳ / ۸۶)

۴-۳. تشویق و امر به استخراج انواع سنگ‌ها و گوهرهای معادن، نفت و مانند آن

امام صادق (ع) خطاب به مفضل فرمودند: «فَكَرَّ يَا مُفَضَّلُ فِي هَذِهِ الْمَعَادِنِ وَمَا يُخْرَجُ مِنْهَا مِنَ الْجَوَاهِرِ الْمُخْتَلِفَةِ مِثْلَ الْجِصِّ وَالْكِلْسِ وَالْجَبَسِ وَالزَّرَانِيخِ وَالْمَرْتَكِ وَالْقُونِيَا [التُّوتِيَاءِ] وَالزَّيْبِقِ وَالنُّحَاسِ وَالرَّصَاصِ وَالْفِضَّةَ وَالذَّهَبَ وَالزَّبْرَجِدَ وَالْيَاقُوتَ وَالزُّمُرُودَ وَضُرُوبَ الْحِجَارَةِ وَكَذَلِكَ مَا يُخْرَجُ مِنْهَا مِنَ الْقَارِ وَالْمُومِيَا وَالْكَبْرِيْتِ وَالنَّفْطِ وَغَيْرِ ذَلِكَ مِمَّا يَسْتَعْمَلُهُ النَّاسُ فِي مَآرِبِهِمْ فَهَلْ يَخْفَى عَلَى ذِي عَقْلٍ أَنَّ هَذِهِ كُلُّهَا ذَخَائِرُ ذُخِرَتْ لِلْإِنْسَانِ فِي هَذِهِ الْأَرْضِ لِيَسْتَخْرِجَهَا فَيَسْتَعْمِلَهَا عِنْدَ الْحَاجَةِ إِلَيْهَا.....» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳ / ۱۲۸) «ای مفضل! درباره این معادن و گوهرهای گوناگونی که از آن‌ها استخراج می‌شود بیندیش، همچون گچ و آهک و سنگ گچ و انواع زرنیخ و مردار سنگ و قلع (لحیم) و مس و سرب و نقره و طلا و زبرجد و یاقوت و زمرد و انواع سنگ‌ها و همچون قیر و مومیا و گوگرد و نفت و جز این‌ها که از زمین به دست می‌آید و مردمان آن‌ها را در نیازمندی‌های خود به مصرف می‌رسانند. اکنون آیا بر هیچ باخردی می‌تواند پوشیده بماند که همه این‌ها ذخایری است مخصوص آدمی که باید از زمین بیرون آورد تا به هنگام نیاز مورد استفاده قرار دهد؟...» (اخوان حکیمی، بی تا: ۵، ۴۱۳؛ نرم افزار گنجینه روایات ۱/۲)

این روایات که با زیبایی تمام نعمت‌های خداوند متعال را برمی‌شمارند، به ما می‌گویند که هر انسانی باید با توجه به نعمت‌های گوناگونی که خداوند در اختیارش قرار داده، بر حسب نیاز خود و جامعه، بنا بر میزان توانایی و استعداد خود، کسب مهارت کند و با استفاده از به عمل رساندن این مهارت، لوازم مورد نیاز خود و جامعه را با ساخت و ساز، با کشت و کار، با پخت و پز و مانند آن مهیا کند. در واقع این روایات انسان‌ها را تشویق به فن‌آوری می‌کند. استفاده عملی از مهارت‌های متفاوتی که به دلیل توانایی‌ها و استعداد‌های متفاوت به وجود آمده و می‌آید، باعث می‌شود، همه‌ی آنچه که مورد نیاز جامعه است، تولید شود. این یعنی استفاده‌ی بهینه از نعمت‌ها که روشی است برای شکرگزاری از خداوند متعال به خاطر نعمت‌های متفاوت و فراوانی که در اختیار بشر قرار داده‌است.

۴-۵. آماده سازی بستر برای کارآفرینی و اشتغال انسان‌ها از سوی خداوند

در خصوص این‌که خداوند متعال زمین و منابع آن را برای زندگی انسان‌ها آماده کرده، آیات و روایات فراوانی وجود دارد که نشان می‌دهد هر چه در زمین هست، حتی هر آنچه در آسمان‌هاست برای بهره‌برداری و سود بردن انسان آفریده شده است. ما در این بخش به این آیات و روایات اشاره می‌کنیم.

خداوند دنیا را برای انسان آفرید و نیز همه آنچه در آسمان و زمین است را مسخر انسان نمود و امر به استفاده از آنها نمود. خداوند در قرآن می‌فرماید «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (البقره: ۲۹) «اوست آن کسی که آنچه در زمین است، همه را برای شما آفرید؛ سپس به [آفرینش] آسمان پرداخت، و هفت آسمان را استوار کرد؛ و او به هر چیزی داناست.»

گرچه همه این کائنات برای استفاده انسان خلق شده است، اما با توجه به تفاسیر (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۴ / ۳۳۸؛ قرائتی، ۱۳۸۸: ۱۰ / ۱۵۴) به این نتیجه می‌رسیم که تا تلاشی نباشد، روزی‌های زمین نصیب کسی نمی‌شود، پس خداوند زمین را رام ساخته تا امکان تلاش و کوشش بر روی آن فراهم باشد.

خداوند در آیه دیگر می‌فرماید «أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً...» (لقمان: ۲۰) «آیا ندانسته‌اید که خدا آنچه را که در آسمانها و آنچه را که در زمین است، مسخر شما ساخته و نعمتهای ظاهر و باطن خود را بر شما تمام کرده است؟» تسخیر موجودات آسمانی و زمینی برای انسان مفهوم وسیعی دارد که هم شامل اموری می‌شود که در قبضه اختیار او است و با میل و اراده‌اش در مسیر منافع خود به کار می‌گیرد، مانند بسیاری از موجودات زمینی، یا اموری که در اختیار انسان نیست اما خداوند آنها را مأمور ساخته که به انسان خدمت کند، همچون خورشید و ماه. بنابراین، همه موجودات مسخر فرمان خدا در طریق سود انسانها هستند خواه مسخر فرمان انسان باشند یا نه. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۷ / ۶۴)

خداوند متعال آن چنان زمین را گسترده کرد که برای زندگی انسان و پرورش گیاهان و جانداران آماده باشد، گودالها و سرایشی‌های تند و خطرناک را به وسیله فرسایش کوهها و تبدیل سنگها به خاک پر کرد و آنها را مسطح و قابل زندگی ساخت، در حالی که چین خوردگی‌های نخستین، آن چنان بودند که اجازه زندگی به انسان نمی‌دادند. خداوند در زمین کوهها را قرار داد که هم فشارهای داخلی را از درون خنثی کنند و هم نیروی فوق العاده جاذبه و جزر و مد را از بیرون؛ و به این ترتیب، تزلزل و اضطراب و زلزله‌های مداوم را از میان ببرند و کره زمین را در آرامش برای زندگی انسانها نگه دارند. زمین ترکیبی است از مناطق مسطح و صاف و کوهها و درهها که بهترین ترکیب برای زندگی بشر و سایر موجودات زنده است. بسیاری از کوههای روی زمین، آبهایی را که به صورت برف در آمده در قله خود یا در شکافهای دره‌هایشان ذخیره می‌کنند که تدریجاً آب می‌شوند و به حکم قانون جاذبه از مناطق مرتفع‌تر به سوی مناطق پست و گسترده روان می‌گردند و بی‌آنکه نیاز به نیروی دیگری باشد در تمام مدت سال به طور طبیعی بسیاری از زمینها را آبیاری و سیراب می‌کنند. اگر شیب ملایم زمینها نبود و اگر آبها به این صورت در کوهها ذخیره نمی‌شد، آبیاری اغلب مناطق خشک امکان پذیر نبود و یا اگر امکان داشت هزینه فوق العاده زیادی لازم داشت. خداوند از تمام

میوه‌ها دو جفت در زمین قرار داد و از آنجا که زندگی انسان و همه موجودات زنده و مخصوصاً گیاهان و میوه‌ها بدون نظام دقیق شب و روز امکان پذیر نیست در قسمت دیگر این آیه از این موضوع سخن به میان آورده، می‌گوید: خداوند به وسیله شب، روز را می‌پوشاند و پرده بر آن می‌افکند چرا که اگر پرده تاریک آرام بخش شب نباشد، نور مداوم آفتاب، همه گیاهان را می‌سوزاند و اثری از میوه‌ها و به‌طور کلی از موجودات زنده بر صفحه زمین باقی نمی‌ماند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۷/ ۱۱۶-۱۱۳)

«رابطه تفکر و تسخیر این است که در انسان قدرتی نهفته، که می‌تواند تمام مظاهر طبیعت را به نفع خود تصرف کند و این قدرت، با اندیشه به‌کار می‌افتد.» (قرائتی، ۱۳۸۸: ۸/ ۵۲۱) در این صورت، تفکر در تصرف مظاهر طبیعت باعث رشد فکر انسان می‌شود.

به این ترتیب این آیات ارزش وجودی انسان‌ها و سروری آنان را نسبت به همه موجودات زمینی مشخص می‌کند و در ست از اینجا در می‌یابیم که این انسان را خدا برای امر بسیار پر ارزش و عظیمی آفریده، همه چیز را برای او آفریده او را برای چه چیز. او عالی‌ترین موجود در این صحنه پهناور است و از تمامی آن‌ها ارزشمندتر. به همین دلیل این عالی‌ترین موجود برای عالی‌ترین هدف یعنی کمال، باید کار و تلاش و فن‌آوری را به عالی‌ترین وجه داشته‌باشد. برخی از روایاتی که به زیبایی شرح می‌دهند، خداوند متعال آسمان‌ها و زمین و همه‌ی آنچه که درون آن‌ها قرار دارد برای انسان آفریده است:

امام صادق (ع) خطاب به مفضل فرمودند: «يَا مُفَضَّلُ! فَإِنَّكَ إِذَا تَأَمَّلْتَ الْعَالَمَ بِفِكْرِكَ وَ مِيزْتَهُ بِعَقْلِكَ وَ جَدْتَهُ كَالْبَيْتِ الْمَبْنِيِّ الْمَعْدِيِّ فِيهِ جَمِيعُ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ عِبَادُهُ فَالسَّمَاءُ مَرْفُوعَةٌ كَالسَّقْفِ وَ الْأَرْضُ مَمْدُودَةٌ كَالْبِسَاطِ وَ النُّجُومُ مَنْضُودَةٌ كَالْمَصَابِيحِ وَ الْجَوَاهِرُ مَخْرُوزَةٌ كَالدَّخَائِرِ وَ كُلُّ شَيْءٍ فِيهَا لِشَأْنِهِ مُعَدٌّ وَ الْإِنْسَانُ كَالْمَمْلُوكِ ذَلِكَ الْبَيْتِ وَ الْمُخَوَّلِ جَمِيعَ مَا فِيهِ وَ ضُرُوبُ النَّبَاتِ مُهَيَّأَةٌ لِمَآرِبِهِ وَ صُنُوفُ الْحَيَوَانَ مَصْرُوفَةٌ فِي مَصَالِحِهِ وَ مَنَافِعِهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۳، ۶۱) یعنی: «ای مفضل! ... تو چون درباره جهان با اندیشه‌ی خود تأمل کنی و با خرد خود در این باره بیندیشی، آن را همچون خانه‌ای ساخته و پرداخته خواهی یافت که در آن هر چه مورد نیاز بندگان خدا است وجود دارد، آسمان افراشته همچون سقف و زمین پهن گسترده همچون فرش و ستارگان فراچیده همچون چراغ و گوهرهای کانی همچون گنجینه، هر چیز در آن برای کاری آماده و آدمی همچون مالک این خانه، که همه چیز در اختیار او قرار گرفته و انواع گیاهان برای رفع نیازمندی او و گونه‌های مختلفی از جانوران برای تأمین مصالح و منافع او موجود است.

امام کاظم (ع) فرمودند: «إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ جَعَلَهَا وَقْفًا عَلَى عِبَادِهِ فَمَنْ عَطَّلَ أَرْضًا ثَلَاثَ سِنِينَ مُتَوَالِيَةً لِغَيْرِ مَا عَلَيْهِ أُخْرِجَتْ مِنْ يَدِهِ وَ دُفِعَتْ إِلَى غَيْرِهِ وَ مَنْ تَرَكَ مُطَالِبَةَ حَقِّ لُهُ عَشْرَ سِنِينَ فَلَا حَقَّ لَهُ.» (زمین از آن خدای متعال است که آن را وقف بر

بندگان خود کرده است، پس هر کس زمینی را- بی‌علت- سه سال پیوسته معطل و ناکشته بگذارد، از دست او بیرون آورده و به دیگری سپرده می‌شود؛ و هر کس ده سال از مطالبه حق خویش خودداری کند، دیگر حقی ندارد. (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/ ۲۹۷)

این آیات و روایات نشان می‌دهد که خداوند همه‌ی آنچه که در آسمان‌ها و زمین است، برای انسان آماده کرده و انسان را تشویق به فعالیت، کار، تلاش، ایجاد اشتغال، کارآفرینی می‌کند، بنابراین جامعه دینی با داشتن چنین دستورات و توصیه‌های والا، باید خود را از معضل بیکاری برهاند و تمام نیرو و امکانات خود را برای ایجاد اشتغال و زمینه‌های زندگی سالم را برای افراد خود فراهم کند.

نتیجه‌گیری

در این نوشتار لزوم انجام کار و اشتغال و کارآفرینی از دیدگاه قرآن و روایات مورد تحقیق قرار گرفت و این نتایج حاصل شد:

۱. قرآن و سنت، کار و تلاش را نوعی جهاد در راه خدا معرفی می‌کند. قرآن در سوره مزمل آیه (۲۰) می‌فرماید: «گروهی برای به دست آوردن فضل الهی و کسب روزی به سفر می‌روند و گروهی در راه خدا جهاد می‌کنند.» پیامبر (ص) نیز فرمودند: کسی که برای تأمین زندگی خانواده‌ی خود زحمت (و رنج) می‌کشد، همچون مجاهد در راه خدا است. خداوند متعال زمین را به انسان واگذار کرد تا در آن کار و تلاش کند و آن را آباد کند.

۲. پیشرفت معنوی و مادی انسان و در نهایت جامعه، همچنین پیروزی بر دشمن، به حرکت و کار و کوشش مداوم و استراحت در زمان مناسب دلالت دارد. اشتغال و کارآفرینی از نظر قرآن ضروری است به این دلیل که خداوند در آیاتی امر و تشویق به انجام صنعت‌های مختلفی می‌کند و هر یک از این آیات رهنمودهایی برای اهل فن و صنعت‌گران دارد که باعث ارتقاء تولید و پیشرفت اقتصاد می‌شود.

۳. تشویق و امر به فن‌آوری در بسیاری از روایات نیز مطرح شده است. امام علی (ع) کسانی را که با فقر و گدائی زندگی می‌کنند در حالی که آب و خاک یعنی نیروی طبیعی در اختیار دارند و نیروی انسانی خود را برای بهره‌برداری به کار نمی‌بندند نفرین می‌کند. امام سجّاد (ع) در دعای اول صحیفه با سپاس از خداوند به خاطر آفریدن اندام مناسب برای به دست آوردن روزی، روزی‌ای که خداوند تضمین کرده، در واقع اهمیت کار و تلاش و فن‌آوری را نشان می‌دهد و انسان را به آن تشویق می‌کند. خداوند بستر را برای معاش و زندگی انسان آماده کرده است. آیات و روایات فراوانی وجود دارد که به این امر مهم اشاره می‌کنند از جمله اینکه: قرآن می‌فرماید: خداوند همه‌ی نعمت‌هایی که در زمین است، برای انسان آفرید و سپس هفت آسمان را مرتب کرد: (بقره: ۲۹) باران، باغ‌ها، نخل‌های بلند قامت، دانه‌هایی که درو می‌کنند: (ق: ۱-۹) انواع میوه‌ها و سبزیجات، باغ‌های درخت انگور: (عبس: ۳۳-۳۵) کوه‌های ثابت و گیاهان موزون: (حجر: ۱۹ و ۲۰)

بررسی تطبیقی مشروعیت قدرت، در تفاسیر المیزان و فی ظلال القرآن ۱۹

کوه‌ها با نهرهایی درون آن، میوه‌ها. پو شاننده روز یعنی شب: (رعد:۳)، نیروی دافعه و جاذبه: (حج:۶۵)، زمین رام شده برای رفت و آمد و کار و تلاش: (ملک:۱۵)، چهارپایان برای استفاده از منافع آن: گوشت، شیر، پوست، پشم: (مؤمنون:۲۱)، دریاها و بهره برداری از هر آنچه که درون آن است مثل خوراکی‌ها و جواهرات: (نحل:۱۴) تسخیر دریاها، روان ساختن کشتی‌ها بر روی آن: (جاثیه:۱۲)، تسلط، مالکیت، حکومت انسان بر روی زمین: (اعراف:۱۰).

منابع

۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴): ((تحف العقول عن آل الرسول))، محقق: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، چاپ دوم.
۲. اخوان حکیمی، احمد آرام (بی تا): ((الحیة))، ترجمه احمد آرام، بی جا، ج ۵.
۳. اخوان مقدم، زهره و خلجی، فاطمه (۱۳۹۷): ((حوزه معنایی وقف در قرآن کریم))، مجله وقف میراث جاودان، شماره ۱۰۴.
۴. اکبری، کرامت الله، (۱۳۸۷): ((توسعه کارآفرینی))، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ سوم.
۵. مکارم شیرازی و جمعی از فضلا و دانشمندان (۱۳۹۷): ((شرحی جامع بر صحیفه سجادیه، عرفان اسلامی))، ج ۲ قم، امام علی بن ابی طالب (ع)، چاپ دوم.

بررسی تطبیقی مشروعیت قدرت، در تفاسیر المیزان و فی ظلال القرآن ۲۰

۶. مکارم شیرازی و جمعی از فضلا و دانشمندان (۱۳۹۰): ((پیام امام، شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه (ج ۱))), تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم.
۷. امین زاده، فرخ (۱۳۵۸): ((جمعیت شناسی کار(منابع انسانی و توسعه))), تهران: دانشگاه ملی ایران.
۸. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۸): ((مبسوط در فرمینولوژی حقوق)), تهران: کتابخانه گنج دانش، چاپ اول.
۹. راوندی، سعید بن هبه الله (۱۴۰۹): ((قصص الأنبياء عليهم السلام)), محقق / مصحح: عرفانیان یزدی، غلامرضا، مشهد: مرکز پژوهش های اسلامی، چاپ اول.
۱۰. شوقی، ضیف و همکاران (۲۰۰۵): ((المعجم الوسيط)), قاهره: الشروق الدولیه، چاپ چهارم.
۱۱. طاهر آبادی، میثم (۱۳۹۲): ((اشتغال و کارآفرینی)), قم: ندای ملکوت، چاپ اول.
۱۲. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۰): ((المیزان فی تفسیر القرآن)), بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم.
۱۳. ظهیری، هوشنگ (۱۳۹۰): ((فرا تحلیل مطالعات کارآفرینی و اشتغال)), تهران: جامعه و فرهنگ، چاپ اول.
۱۴. فلسفی، محمد تقی (۱۳۶۸): ((الحديث رواية تربیتی)), تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی،
۱۵. قرائتی، محسن (۱۳۸۸): ((تفسیر نور)), تهران: مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، چاپ اول.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷): ((الكافي)), محقق علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم.
۱۷. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳): ((بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار)), بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ سوم.
۱۸. معین، محمد (۱۳۸۴): ((فرهنگ معین)), تهران: آدنا، چاپ سوم.
۱۹. مفضل بن عمر (بی تا): ((توحيد المفضل)), محقق / مصحح: کاظم مظفر، قم: داوری، چاپ سوم.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۱): ((تفسیر نمونه)), تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دهم.
۲۱. میرزاپور زرندینی، حمیدرضا (۱۳۹۶): ((ارزش کار و کارآفرینی در اسلام)), تهران: نگارتابان، چاپ اول.
۲۲. بیانات مقام معظم رهبری، <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۱۰۰۷۷>